

## آئین به خالی سپردن مرده و سو گواری آن

چون کسی مردنش درسد، بستگانش او را روی به قبله می خوابانند. (۱)  
در این هنگام پیرزن یا پیرمردی بر بالینش می آید و می نشیند و کتاب دعاء ی (۲)  
رامی گشاید و با صدای بلند حدیث کساء و دعای عدیله، آن را بر او می خواند.  
پس از آن «شهادتین» (۳) رامی خواند و آنگاه دوازده امام را یکی پس از دیگری نام  
می برد. (۴)

پیش از «چانه انداختن» (۵) و جان سپردن او، یکی از خویشاوندانش  
کمی «آب تربت» (۶) در دهانش می ریزد. اگر او فرزندی در سفر داشته و

- 
- ۱- کسی را که سخت و دیرجان می دهد در جایی که در زمان حیاتش در آن  
نماز می خوانده می خوابانند تا جان دادنش آسان شود.
  - ۲- کتاب دعا کتابی است که در آن یازدهی از نیایشها و درخواستها و  
ستایشهای دینی نوشته شده است. این دعاها از برای برآمدن حاجات و نیاز-  
خواهی و گناه شویی و طلب آمرزش خوانده می شود.
  - ۳- شهادتین عبارتست از: اشهدان لا اله الا الله، اشهدان محمد رسول الله،  
اشهدان امیر المؤمنین علیا ولی الله.
  - ۴- تا یکی دوسه پیش هنگامی که مرگ کسی فرامی رسیده، یکی از کسانش  
آتش بر روی بام خانه او می افروخت تا رهگذران و همسایگان با دیدن آتش برای او  
طلب مغفرت بکنند.

۵- چانه انداختن، دقایق آخر عمر را گذراندن، تمام کردن  
۶- آب تربت آبی است که از شط فرات برداشته شده و با اندکی از خاک  
متبرک اطراف حرم امام حسین آمیخته شده است. این آب را برای تبرک و دوری از هر  
گونه گزند و بلا می آمانند.

چشم به راهش باشد ، کسانش تصویر از آن فرزند را نشانش می دهند ،  
یا آن تصویر را بر روی سینه اش می گذارند تا اینکه چشم به راه و منتظر  
نمرد .

پس از مردن ، کسی چشم و دهان او را - اگر چشم و دهانش در هنگام مردن  
باز مانده باشد می بندد و آن کی پنه روی چشمش می گذارد و با دستمالی سفید آن را  
می پوئاند و دوسر دستمال را به پشت سر او گره می زند . دستمالی نیز از زیر چانه و روی  
گوشهای او می گذارند و بر « فرق » ( ۱ ) سرش گره می زند . در پای او را راست  
به یکدیگر می چسباند و دو شست پایش را با کهنه ای به هم می بندد . دستایش را هم  
بر دو پهلویش می چسباند و کسی دیگر نیز پارچه ای سفید روی پیکر او می کشد و يك  
طاقه هلال ، ( ۲ ) ترمه بر روی آن می اندازد .

اگر شب در گذشته باشد ، او را تا با مداد در خانه یا مسجد کوی و گذر نگاه  
می دارند . قرآنی بر سینه اش می گذارند ( ۳ ) و يك « قاری » ( ۴ ) دعوت می کنند  
که شب را تا سپیده دم بر بالین او بنشیند و قرآن بخواند . ( ۵ )  
آفتاب که پهن شد او را از زمین بلند می کنند و در « تابوت » ( ۶ ) می گذارند  
و به مرده شو یخانه می برند .

برای بلند کردن مرده از روی زمین و گذاشتن او در درون تابوت ، چهار مرد  
مال خورده و دیندار - سید باشند بهتر است - چهار گوشه قالی یا گلیمی را که مرده  
روی آن گذاشته شده می گیرند و سه بار آن را از زمین بلند می کنند و به نزدیک تابوت  
می برند و دوباره به جای خود باز می گردانند . در بار چهارم مرده را درون تابوت  
می گذارند و بر روی او طاقه شال را می کشند . در این هنگام چهار گوشه تابوت را  
می گیرند و آنرا از روی زمین بلند می کنند و بردوش خود می گذارند و از خانه

#### ۱- فرق، تارك

۲ - شال : نوعی پارچه نشین و گرانبها که از پشم یا كرك نرم بافته شده و نوع  
کشمیری و کرمانی آن بسیار معروف است .  
۳ - برای این که شیطان در چشمش نرود . این یکی از اعتقادات نهراتیهاست .  
انتقادات و خرافات درباره موضوع این مقاله بسیار است که در مقالهای جداگانه  
نوشته خواهد شد .

#### ۴ - قاری، قرآن خوان

۵ - مرده ای را که در مسجد می گذارند قرآن روی سینه او نمی نهند ،  
چون معتقدند در خانه خدا ابلیس راه ندارد .

۶ - تابوت صندوقی است چوبی و مستطیل شکل که سر آن فراخ و پای آن  
تنگ است . چهار دسته کوتاه نیز در چهار گوشه آن قرار دارد .

بیرون می روند و «انالله وانا الیه راجعون» و «لا اله الا الله» گویان راه مرده شو بخانه رادر پیش می گیرند .

در راهی که تابوت مرده از آن می گذرد ، همسایگان و پیشهوران و ورهگذران ، هر کس دیگری که آنرا می بیند ، برای احترام بمرده و آمرزش او ، و نیز بردن ثواب به سوی تابوت می شتابند و گوشه یی از آنرا با یکدست می گیرند و هفت گام در پی آن می روند و پی در پی «لا اله الا الله» می گویند . خویشاوندان و آشنایان تازه در گذشته نیز تابوت مرده را تا مرده شو بخانه تشییع می کنند ، (۱) و آنرا بادوش یا باخودروی ویژه مرده کشی (۲) به غسلخانه می رسانند .

### شستشوی دادن و کفن پوشاندن

چون جسد مرده بمرده شو بخانه رسیده ، مرده شویان - دومرده شوی مرده رامی شویند و غسل می دهند و کفن می پوشانند - مرده را با اجازه «ولی» او برهنه می کنند و روی سنگ مرده شو بخانه ، (۳) می خوابانند . در این هنگام یکی از بستگان مؤمن و بسیار نزدیک مرده بر بالین او می آید (۴) و با «دولچه» (۵) کمی آب بر سر و روی او می ریزد و نامش را صدا می کند و می گوید : تفرس ! ما همه قوم و خویشهای تو اینجا هستیم . سپس مرده شویها شستن پیکر مرده را آغاز می کنند .

۱ - تشییع کردن در پی تابوت مرده رفتن برای بزرگداشت او و خانواده اش .

۲ - اتومبیلی است سیاه رنگ - با سفید که جای راننده آن از جای گذاشتن تابوت جداست . جایگاه تابوت هم اتاقکی است سرپوشیده با یک در و دو لختی که در پشت اتومبیل باز می شود .

۳ - ولی مرد زن دار ، پدر و مادر و برادر او و اگر فرزند داشته باشد پسر بزرگ او ، می باشد . ولی زن شوهر دار ، شوهر و پس از او پدر و مادر و برادر و پسر بزرگش می باشد .

۴ - سنگی است مستطیلی به درازی دو متر و نیم و پهنا ی یک متر و نیم که بر کف زمین اتاق مرده شو بخانه کار گذاشته شده است . بلند ی آن از روی زمین نزدیک به نیم متر می باشد . برخی از سنگهای مرده شویی را بر روی پایه های آجری کار می گذارند . در قدیم بیشتر تیرانیها - اغلب عیالها - مردگان خود را در خانه می شستند و کفن می کردند . برای این کار تخته مخصوصی از مرده شو بخانه یا مسجد محل به امانت می گرفتند و مرده را روی آن می خوابانند و می شستند و غسل می دادند .

۵ - برای زنی که در گذشته زن و برای مردی که در گذشته مرد .

۶ - دلو کوچک دسته دار . پارچه کوچک .

یکی از آنده آب بر تن مرده میریزد و دیگری «کیسه» (۱) بر تنش  
«می کشد» (۲) و با «لیف» (۳) و صابون سروتن او را می شوید.

پس از این که تن مرده شسته و پاک شد، او را در زیر «دوش» (۴) یا با «اسطل»  
«آب میکشند» (۵)، آن گاه سه بار غسل میدهند. نخست با «آبی که با سرد  
آمیخته شده» دوم با «آبی که با کافور آمیخته شده» و سوم با «آب خالص» و  
پاک. (۶)

مرده شویان پس از غسل دادن جسد مرده، او را حنوط میکنند. بدین گونه  
که اندکی کافور ساییده و تازه را بر پیشانی و کف دستها و سر زانوان و روی دوش  
پای او می مالند تا پیکرش بوی خوش بگیرد. پس از حنوط، دو «ترکه» (۷) از درخت  
بید یا انار به درازای نیم متر که بر سر هر یک اندکی پنبه گذاشته شده زیر بغل او  
می گذارند.

اگر مرده زن باشد یک «گلوبند تربت» (۸) از گردنش می آویزند و سه  
مهر؛ گرد تربت که روی آنها نام «پنج تن» (۹) نوشته شده، روی چشمان و  
زبانش می گذارند و دستبند و انگشتری تربتی نیز در میچ و انگشتش میکنند. اگر  
مرده مرد باشد بجای آنچه یاد شد، تنها یک تسبیح صد دانه یاسی و سه دانه  
تربت به دستش میدهند. آن گاه در همه سوراخهای تن و سر و روی مرده پنبه فرو  
میکنند و او را در پارچه می سفید که کفن نامیده میشود، می پوشانند.

۱ - کیسه از پارچه موی یا پشمی است که بیشتر در گرمابه ها برای بیرون  
کشیدن چرک از تن بکار میرود.

۲ - کیسه کشیدن: بیرون کشیدن چرک از تن و پاک کردن آن.

۳ - کیسه ای است از پارچه نرم و لطیف که بیشتر در گرمابه ها بکار برده  
می شود. پس از گرفتن چرک از تن، لیف را مابون می مالند و بر سر و تن می کشند تا  
چربی تن را بربانند.

۴ - این رازه فرانسوی است و آن افزاری است آهنی که سوراخهایی ریز  
دارد و در گرمابه ها بکار گذاشت می شود و از آن آب همچون قواره می ریزد.

۵ - آب کشیدن، در آب فرو رفتن یا زیر آب رفتن، در آب فرو کردن و زیر  
آب گرفتن چیزی برای پاک شدن.

۶ - جسد مرده زن را زن و مرد را مرد غسل می دهد. البته شرعاً زن را  
شوهر و اماد و شوهر را همسر می تواند غسل دهد و کفن بپوشاند.

۷ - شاخه نرم و نازک از درخت بریده شده.

۸ - گلوبند گلینی که از خاک دوروبر حرم امام حسین درست شده است.

۹ - پنج تن آل عبا یا آل کساء عبارتند از:

«محمد»، پیغمبر اسلام، «علی» داماد پیغمبر و پیشوای نخستین شیعیان،

«فاطمه» دختر پیغمبر و همسر حضرت علی، «حسن» و «حسین» فرزندان حضرت  
علی و فاطمه. نام «الله» را هم به این پنج کس می افزایند.

کفن یا «خلعت» زن هفت تکه است: سر بند، چشم بند، چانه بند، پستان بند، لنگ، قدبند و «سرتاسری». سرتاسری يك تکه پارچه بزرگی است که با آن سرتاسر بپوشانند.

کفن مرد پنج تکه است: چشم بند، چانه بند، لنگ که از ناف تا سر زانوان را میپوشاند، قدبند یا پیراهن که از سرشانه تا نیمی از ساق پارامپوشاند و «سرتاسری» که برپیکر مرده میکشند. دوسر سرتاسری را در بالای سر و پایین پای مرده می بندند.

مرده شویان پس از شستن مرده و کفن پوشاندن آن، دستمزد خود را از پولی که در جیب جامه مرده از پیش گذاشته شده، برمی دارند و جامه های او را نیز برای خود نگاه میدارند. (۱) خویشاوندان مرده مبلغی نیز بعنوان انعام به مرده شویها می دهند.

### به خاک سپردن مرده

پیش از آنکه مرده به گورستان برده شود، يك یا چند تن از بستگان مرده بگورستان مورد نظر خود میروند و تکه زمینی برای دفن مرده شان میخرند و گورکنی را او میدارند تا آن زمین را بکنند.

گورکن قبری تقریباً به گودی دومتر و پهنای سه چارک و درازی دومتر می کند. هنگامی که گورکن سرگرم کندن گور است «مرده کشان» جسم مرده را با تابوت بگورستان می آورند و اندکی دورتر از قبر بر زمین می گذارند. (۲) آخوندی روزه مرده و قبله می ایستد و با برهنه «نماز میت» میخواند. کسانی هم که همراه مرده آمده اند، در پشت سر آخوند می ایستند و این نماز مخصوص را با او میخوانند. اینها با برهنه نمی شوند.

نماز که خوانده شد، یکی از مردان خانواده مرده، سر و پای خود را برهنه میکند و به درون گور می رود تا مرده را در آن بخواباند. مردان دیگر جسم مرده را از تابوت در می آورند و سه بار آن را بر زمین میگذارند و از زمین بلند میکنند و در بار چهارم جسم را بکسی که درون گور ایستاده می سپارند. او مرده را بپهلوی راست و روی بقبله میخواباند. پاره آجری زیر سر و خشت خامی در پشت او میگذارند و بخشی از کفن را که صورت مرده را پوشانده پس

---

۱ - جسم مرده را با همان رخت و لباسی که در هنگام جان سپردن بر تن داشته به مرده شویخانه می برند.

۲ - اگر گورستان در جوار امامزاده باشد - و غالباً نیز چنین است - جسم مرده را پس از شستشو و غسل به درون حرم امامزاده می برند و دور ضریح طواف می دهند.

می‌زند و بر روی پاره آجر زیر سرش می‌نهد و آنگاه از سوی پای گور بیرون می‌آید .

آخوندی « دعای تلقین » ( ۱ ) بر مرده میخواند و گورکن بردیواره آجری ای که در چهار بر پائین گور و اطراف مرده ساخته است يك طاق با آجر نظامی « ( ۲ ) میزند . این طاق جسد مرده را از برابر دیدگان مردم پنهان میکند . گورکن روی طاق خاک میریزد و قبر را پر میکند ، بطوری که چهار انگشت روی گور از یک زمین گورستان بلندتر شود . در این هنگام همه کسانی که بر سر مزار گرد آمده اند هر يك با پشت دست کمی خاک روی گور میریزند و انا لله و انا الیه راجعون ، میگویند .

پس از دفن ، هنگام بر سر «خاک» می‌نشینند و انگشت نشانی ( سبایه ) خود را بر خاک روی گور میگذرانند و هفت بار «فاتحه» (سوره حمد) و سوره «قدر» (انا نزلنا) می‌خوانند و بقبر « فوت میکنند » . ( ۳ ) در هنگام رفتن و ترك کردن مزار ، برای احترام برده ، سه بار و هر بار چند قدم از گور دور می‌شوند و دوباره بر سر گور باز میگردند .

در شب همان روزی که مرده بخاک سپرده شده است - شب اول قبر پیش نماز محل یا یکی از بستگان مؤمن خانواده صاحب عزا ، برای مرده « نماز وحشت » میخواند . همچنین آن شب صاحب عزا ، يك ظرف شربت و يك خشت و يك چراغ روشن بر جایی که کفش در آن جان سپرده میگذارد . آن شب را معمولاً همه بستگان نزدیک تازه در گذشته تا با امداد بیدار میمانند و برای آمرزش روح او دعا میخوانند .

### سوگواری مرده

سوگواری مرده از روز بخاک سپردن او آغاز می‌شود و تا شش ماه یا يك سال می‌باید . در این مدت زنان خانواده مرده ( مادر ، خواهر ، زن ، دختر ، خاله ، عمه و دیگر خویشاوندان نزدیک ) جشنهای مذهبی یا ملی را که پیش می‌آید نمی‌گیرند و در جشنهای دیگران نیز شرکت نمیکنند .  
مراسمی که در این مدت برای مردم برپا می‌شود عبارتست از : « ختم مردانه » ( مجلس فاتحه خوانی با مجلس ترحیم و تذکر مردانه ) ، « ختم زنانه » ، « شب هفت » ، « شب چله » ( شب چهارم ) و « شب سال » .

۱ - دعایی که اصول و مبانی مذهبی در آن گنجانده شده تا در هنگام دفن جسد آن را به مرده القا کنند .

۲ - آجر نظامی ، نوعی آجر بزرگ و چهار گوش .

۳ - فوت کردن ، دمیدن بادبان .

## ختم مردانه

بنداز ظهر سومین روز بختک سپردن مرده، خافواده او مجلس ختمی در مسجد محله یاد رخانه خود برپا میدارند و خویشان و آشنایان را پیش از این با یک و امروز باروزنامه - از روز وساعت آن آگاه میکنند.

پیش از ظهر مجلس ختم را میچینند، بدین گونه که طاقه شالی در میان شبستان مسجد پهن میکنند و روی آن دودست «قاب و قدح» (۱)، یک جعبه دشت پاره (۲)، سه تا «رحل» (۳)، دوسه ظرف قهوه خشک و چند تا گلپاش میچینند. اگر تازه در گذشته جوان باشد و ناکام، دسته‌هایی از گل‌های رنگارنگ در قاپها یا گلدانهای چینی یا بلورین میگذارند.

هنگامی که مجلس فاتحه خوانی آغاز می‌شود، دو «قاری» (قرآن خوان) که از پیش دعوت شده‌اند، در بالای شبستان مسجد، پای منبر می‌نشینند و تک‌تک با آوازی رسا و غم‌انگیز تلاوت قرآن میکنند. صاحبان عزا در کنار هم در آستانه در ورودی شبستان می‌ایستند تا به کسانی که برای «سرسلامتی» (۴) ویزرگداشت آنها بمجلس می‌آیند خوش آمد بگویند. مردی که او را میانداره میخوانند در میان شبستان می‌ایستد و چند پاره قرآن در یک دست و گلپاشی در دست دیگر میگیرد و آماده انجام وظیفه می‌شود و چند مرد نیز خود را برای پذیرایی از مردم با قهوه و چای آماده میکنند.

میاندار با آمدن هر تازه واردی بمجلس با صدای بلند می‌گوید: «فاتحه» (۵) سپس به تاز او می‌رود و چند چکه گلاب در کف دستش میریزد و پاره‌یی از

۱ - قاب گلدانی است از چینی مرغی (چینی‌هایی که روی آی هانکاره برندگان دارد چینی مرغی نامیده می‌شود) یا از روشو، قدح کلمه بزرگی است از همان جنس.

۲ - جعبه دشت پاره صندوقی است چوبی که درون آن قرآنی را که برای چنین مجالسی به شصت بخش برای تقسیم کرده و هر یک را جداگانه جلد کرده‌اند، می‌گذارند. پیش قرآن را همی جزو تقسیم می‌کردند و آن را سی پاره می‌نامیدند. شاید برای این بود که مردم فرصت و فراغت بیشتری داشتند. ۳ چیزی است چوبی که از بهم بیوسه تن دو تخته چوب یک پارچه و پرداخته، به صورت مورب، درست شده قرآن را در هنگام خواندن روی رحل می‌گذارند، برای این که بی‌احترامی به کلام خدا نشود.

۴ - سرسلامتی؛ تسلیت. سرسلامتی دادن یا گفتن؛ تسلیت دادن یا گفتن. ۵ - «فاتحه» نخستین سوره است از سوره‌های قرآن و چون قرآن با آن آغاز و افتتاح می‌شود از این روی آن را فاتحه خوانده‌اند. این سوره را «حمد» نیز می‌نامند. چون با کلمه «الحمد» آغاز می‌شود. میاندار «فاتحه» می‌گوید تا مردم مرده را از یاد نبرند و برای او «حمد سوره» بخوانند.

قرآن را برای خواندن باو تعارف میکند. تازه وارد اگر «سواد قرآنی» (۱) داشته باشد جزوه قرآن را میگیرد و میبوسد و آرام در زیر لب بخواندن آن میپردازد و اگر سواد نداشته باشد بجای آن «حمد و سوره» میخواند.

چند ساعتی که از تشکیل مجلس فاتحه خوانی گذشت، بزرگ مجلس دستور برچیدن ختم را می دهد. قاریان بی درنگ شروع بخواندن سوره «الرحمن» میکنند. باین طریق که یکی از آنها آیه های الرحمن را میخواند و ب «قبای آلاء ربکما تکذبان» که میرسد هر دو باهم آن را تلاوت می کنند. پس از پایان سوره الرحمن یا چندین آیه از آن سوره، میاندار طاقه شال و قاب و قدح و دیگر چیزهای روی آنرا برمی چینند و از میان شبستان بیرون میبرد. در این هنگام آخوندی که از پیش فراخوانده شده و مشخصات و محسنات مرده برایش گفته شده است بالای منبر میرود و بهو عظم میپردازد. او پس از وعظ و صحبت درباره شخصیت و خصوصیات مرده و یادآوری نیکبها و بزرگ منشیهای او، روضه ای به مناسبت مجلس میخواند و از خدا برای روان او آمرزش می طلبد و او را دعا میکند. آنگاه از طرف کسانی که به مسجد آمده اند بصاحبان عزا تسلیت میگوید و متقابلا از طرف صاحبان عزا از همدردی حاضران و شرکت آنان در مجلس ختم سپاسگزاری میکند و از منبر پائین میآید. میاندار بی درنگ در پای منبر می ایستد و شمرده و با صدای بلند «سلام میدهد» (۲) پس از پایان سلام، مردم مجلس را ترک میگویند و در هنگام بیرون رفتن از شبستان مسجد بنزد صاحبان عزا میروند و هر یک بگونه ای آنها را تسلی میدهند. یکی میگوید «غم آخر شما باشد»، دیگری میگوید «خدا عمر شما را دراز کند». سومی میگوید «غم شما دور» و یا «سر شما سلامت باشد»، «آخرین مصیبت شما باشد» و چیزهایی دیگر از این گونه عبارات.

### ختم زنانه

از روز بختک سپردن مرده تا روز سوم او، هر روز گروهی از زنان خویش و آشنا برای «دیدن» صاحبان عزا و «سر سلامت گفتن» بآنها، در حالی که

۱ — در میان مردم ایران بویژه قدیمیها کسانی یافت می شوند که بجز خواندن قرآن و کتاب دعا خواندن کتابهای دیگر را نیاموخته اند. از این روی فقط سواد قرآن خواندن را دارند.

۲ — سلام را پس از خواندن نماز جماعت نیز می دهند. بدین گونه که خادم مسجد که پای منبر یا نزدیک محراب ایستاده است نخست روی به قبله می کند به امام حسین سلام می فرستد، سپس روی به مشرق می ایستد و به امام رضا سلام می دهد، آنگاه باز سوی قبله می ایستد و این بار امام زمان را سلام می دهد. حاضران در مجلس نیز همه از او پیروی می کنند. سلامها همه به زبان عربی است.



جامه سیاه یا نیلی پوشیده‌اند، بخانه تازه در گذشته می‌آیند. صاحبان عزابا آمدن هر تازه‌واردی، زبان می‌گیرند، (۱) و گریه‌زاری میکنند و چادر در چارقد از سر بکشند و پاره می‌کنند و بر سر و صورت و ران می‌کوبند و گونه را می‌خراشند و چنگ در گیسوان می‌زنند و آنها را می‌کنند. زنان دیدار کننده آنها را از زاری و نغان و خود زنی بیش از اندازه باز میدارند و دلداریشان میدهند و به شکیبائی و بردباری تشوینشان میکنند.

بعد از ظهر روز سوم، مجلس فاتحه خوانی زنان در خانه تازه در گذشته برپا میشود و همه بستگان و آشنایان با احترام خانواده او و شرکت در سوگه آنان به مجلس می‌آیند. (۲)

در این مجلس طاقه شالی در یکی از اتاقهای بزرگ خانه می‌گسترند (۳) و روی آن قاب و قدح و جمبه شست پاره و رحل و گلاب پاش و قهوه دان می‌چینند. چند تن زن جوان هم برای قرآن و گلاب دادن بمجلسیان و پذیرائی آنان برگزیده میشوند.

از آغاز مجلس تا انجام آن، صاحبان عزابا (مادر، خواهر، خاله، عمه) اگر تازه در گذشته مرد و همسر داشته باشد، عمه و فرزند) تک تک برای از دست رفته شان ناله و زاری میکنند و زبان می‌گیرند، و حاضران را از غم و اندوه خود افسرده میکنند و بگریه می‌آورند. یک یاسه یا پنج آخوند (۴) هم که قبلاً دعوت شده‌اند، یکی پس از دیگری بمجلس می‌آیند و بمناسبت حال مجلس روضه‌ای می‌خوانند و داغ‌دانداران را تازه میکنند و می‌روند.

پس از پایان روضه، یکی از سالخوردگان و گیس سفیدان مجلس، دستور برچیدن دستگاکتم را میدهد. پذیرائی کنندگان بیدرنگ شال و قاب و قدح و دیگر چیزها را جمع میکنند و از اتاق بیرون می‌برند. در این هنگام آخرین «آقا» (آخوند) یا یکی از پیرزنان مؤمن سوره الرحمن می‌خواند و مجلس فاتحه خوانی را ختم میکند.

۱ - زبان گرفتن، یاد کردن و بر شمردن نیکیهای مرده همراه با گریه و زاری.

۲ - سه روز در خانه صاحب عزابا اگر دستش به دهانش نرسد - ناهار یا شام داده می‌شود.

معمولاً ناهار روزهای دوم و سوم آبگوشت لپه و ناهار روز سوم پلو و خورشت است. مگر آن که خانواده مرده ثروتمند باشد که هر سه روز را پلو بدهند.

۳ - اگر تابستان باشد و هوا گرم، حیاط خانه را با قالی و قالیچه فرش می‌کنند و طاقه شال را در آن پهن می‌کنند.

۴ - شماره آخوندها باید طاق باشد چون جفت را بدشگون میدانند.

زنانی که از مرگ تازه در گذشته و روز ختم او اطلاع نداشته باشند تا هفت روز برای «پرسه» (۱) و سرسلامتی دادن بخانه صاحب عزامیروند.

### شب هفت

بعد از ظهر ششمین روز بخاک سپردن مرده، خانواده او با گروهی از کسانی که در روز ختم مجلس مردان و زنان دعوت شده اند بسر خاک میروند. پیش از رفتن آنها، چند تن مرد بگورستان میروند و روی گور و دورو بر آن را با قالی و قالیچه میپوشانند و بر روی مزار چند گلدان گل و چند بشقاب میوه و شیرینی و خرما و شکر پنیر و حلوا میچینند.

هنگامیکه خانواده مرده و مهمانان ایشان بسر خاک گرد آمدند، آخوند با مداح خوش آوازی در میان جمع میآید و بمناسبت مجلس مرثیه و روضه میخواند. سوگواران بویژه مادر و خواهر و خاله و فرزندان تازه در گذشته همراه بانوحه مداح میگیرند و بر سر ودوی خود میکوبند و برخی از آنها از فرط گریه و شون بی هوش میشوند و بر روی گور می افتند.

این مراسم نزدیک غروب پایان مییابد. پیش از ترک کردن گورستان، صاحبان عزا برای شادی و آمرزش روح عزیزشان چهل تکه حلوا، که از پیش آنرا پخته و در فان پیچیده اند، میان چهل گدا پخش می کنند. چند تن زن و مرد هم بامیوه و شیرینی از مهمانان پذیرائی می کنند.

### شب چله

صبح سی و نهمین روز به خاک سپردن مرده، صاحبان عزا گور مرده شان را «پامی گیرند». برای پا گرفتن گور، یکی دو تن مرد به گورستان میروند و سنگ گور را از سنگ تراش، که قبلا سفارش ساختن آنرا بجا داده اند، میگیرند و بر

*پوشاک کاپور و زینت و مطاوعات و رنگی*

- ۱ - پرسه، پرسیدن، مجلس فاتحه خوانی.
- ۲ - چند سالی است که تهرانیها شب هفت را رنگین تر از گذشته میگیرند. بدین گونه که در حیاط یا اتاق بزرگ آرامگاهی نزدیک بمزار مرده، میز و صندلی میچینند و سیم کشی میکنند و بلند گومیکنند و در دوروی میزها را میوه و شیرینی و سبک میچینند. هنگامیکه مهمانان بسر خاک آمدند، مهمانان هم بیشتر در ساعتی همین در برابر خانه صاحب عزا گرد میآیند و جمعی در اتوبوس و اتومبیلهایی که از پیش آماده شده سوار میشوند و بگورستان میروند. نخست در آرامگاه میشینند و خستکی در میکنند و بامیوه و شیرینی دهان خود را تازه و شیرین میکنند. قاری و با مداحی هم تلاوت قرآن میکنند و مرثیه میخواند. سپس همه با هم بر میخیزند و بسر گور میروند و فاتحه خوانی و عزاداری میپردازند.

روی مزار کار می گذارند . (۱) بر روی سنگ قبر مسولا نام مرده و تاریخ روز زادن و مردن او و گاهی هم چند بیت شعر مناسب ، کند می شود . پس از پاک گرفتن ، روی مزار و اطرافش را با قالی وقالیچه می پوشانند و چند گلدان گل و چند ظرف شیرینی و میوه و خرما و شکر پنبه و حلوا روی آن می چینند .

بعد از ظهر آن روز ، صاحبان عزا با خویشاوندان و آشنایان به سر خاک می روند . در سر مزار مداحی مرتبه و روضه می خواند و سوگواران برای عزیز در خاک خفته شان عزاداری می کنند . در پایان روز نیز برای آمرزش مرده خیرات و میرات می کنند و آنگاه به خانه های خود بازمی گردند . پاره ای از آنها نیز آنها شب چله را در خانه می گیرند و بستگان و دوستان خود را بشام یا عصرانه دعوت می کنند . پاره ای دیگر شب چله نمی گیرند و هزینه آنرا میان طلاب دینی و تنگستان بخش می کنند .

### شمال

در شب شمال مرده نیز همچون شب هفت و شب چله ولی نه به سنگینی و شکوه آن صاحبان عزا با گروهی از بستگان و آشنایان نزدیک خود به سر خاک می روند و فاتحه می خوانند و سوگواری می کنند و برای او طلب مغفرت می کنند و خیرات و میرات می دهند .

بعضی از آنها نیز در شب شمال مرده شان ، شام می دهند و از این راه موجب آمرزش روح مرده شان می شوند . (۲)

### بازدید پس دادن

صاحبان عزا - بیشتر زنان صاحب عزا - پس از برگزاری شب هفت یا شب چله ، به خانه همه کسانی که در خانه یا در مسجد یاد سر خاک حاضر شده و در سوگ آنها شرکت کرده اند ، می روند و از مهر بانی و اظهار همدردی آنها سپاسگزاری می کنند .

### از سوگ در آوردن سوگواران

صاحبان عزا و خویشاوندان بسیار نزدیک آنها ، به نشانه عزاداری تا چندی

- ۱ - برخی از آنها قبر مرده شان را در شب هفت یا میگیرند .
- ۲ - فقط چند تن زن و مرد پس از مرگ وند و فاتحه میخوانند و خیرات میکنند و باز میگردند . هر کسی بر سر گور عزیزش می رود آبی روی سنگ آن میریزد و با قلموسنگی چند بار بروی آن میزند تا با اعتقاد خود مرده را از حضورش آگاه کند .

جامه سیاه می پوشند و خود را نمی آرایند و از برپا داشتن جشنها یا شرکت در جشنهای دیگران خودداری می کنند .

سوگواری مردان بیشتر با برگزاری شب چله پایان می پذیرد . آنها در این چهل روز موی سر و صورت خود را نمی تراشند . جامه سیاه می پوشند یا نواری سیاه بر بازوی چپ یا روی بر گردان پیش سینه کت خود می بندند . (۱) پس از چله با اجازه بزرگ خانواده از سیاه درمی آیند . یعنی اگر جامه سیاه پوشیده باشند آنرا از تن بیرون می آورند و بجای آن جامه سفید یا رنگین می پوشند ، و اگر نواری سیاه بسته باشند آنرا برمی دارند . اگر صاحب عزا پیشه ور باشد تا سه روز پس از درگذشت کسش به سرکار و پیشه خود نمی رود . در روز سوم گروهی از دوستان و هم کسبانش گردمی آیند و او را پس از برچیدن ختم به دکان و سرکارش می آورند . سوگواری زنان دست کم تا شش ماه طول می کشد . آنها در این مدت جامه های سیاه یا نیلی می پوشند و آرایش و پیرایش نمی کنند . به مجلس جشن و شادی نمی روند . مجالس جشن و شادی هم برپا نمی کنند .

برای (از عزا آوردن) زنان ، روزی ذی سالخورده و محترم ، از خویشاوندان بسیار نزدیک ، بایک قواره ، پارچه پیراهنی یا یک پیراهن رنگین به خانه صاحب عزایم رود و کد باغی خانواده را از سیاه درمی آورد و قواره پارچه یا پیراهن را به او می بخشد .

از این پس همه زنان سوگوار از عزا و سیاه بیرون می آیند . سالدیدگان به گرامه می روند و رنگ و حنا به گیسوانشان می بندند . جوانان هم به آرایشگاه می روند ، یا آرایشگری به خانه می آورند و صورت خود را بندی اندازند و بزرگ می کنند . بدینگونه کم کم مرده فراموش می شود و محبتش از دل می رود .

### گورستانها

گورستانهایی که تهرانیها مردگان خود را بیشتر در آنجا به خاک می سپرند عبارتست از گورستانهای : شاهزاده عبدالمظیم ، امامزاده عبدالله ، ابن بابویه ، سیدملك خاتون ، مسگرآباد ، امامزاده اهل علی ، بی بی زبیده ، هفت تن ، امامزاده قاسم ، امامزاده صالح ، امامزاده یحیی ، ظهیر الدوله ، سرقبر آقا ، چهارده معصوم ، جوانمرد قصاب ، آب انبار قاسم خان ، قم ، کربلا و نجف .

برخی از این گورستانها امروز ویران شده مانند جوانمرد قصاب و چهارده معصوم ... یا زمینش پر شده ، مانند سرقبر آقا ، امامزاده یحیی و ...

۱ - امروزه نیز کراوات سیاه می آویزند .